

پس آنگاه هیچ کس نبود

آگاتا کریستی

حمیدرضا زاهدی



لوگو پشیا



نشر گویا

goya.puublication
goyabookstore

فهرست

۹.....	فصل یکم
۲۱.....	فصل دوم
۳۹.....	فصل سوم
۵۵.....	فصل چهارم
۶۵.....	فصل پنجم
۷۵.....	فصل ششم
۸۷.....	فصل هفتم
۹۷.....	فصل هشتم
۱۰۹.....	فصل نهم
۱۲۷.....	فصل دهم
۱۳۷.....	فصل یازدهم
۱۴۹.....	فصل دوازدهم
۱۵۹.....	فصل سیزدهم
۱۶۹.....	فصل چهاردهم
۱۸۳.....	فصل پانزدهم
۱۹۵.....	فصل شانزدهم

فصل یکم

در گوشه کابین سیگاری‌ها آقای جاستیس وارگریو که صندلی خود را ترک کرده بود به سیگار خود پک زد و روی خبرهای سیاسی در روزنامه تایمز چشم گرداند. او روزنامه را کناری انداخت و به بیرون پنجره نگاه کرد. قطار آنها اکنون از یک شیب عبور می‌کرد. یک بار دیگر به ساعت مچی خود نگاهی انداخت. دو ساعت دیگر مانده بود تا برسند. او در ذهن خود هر چیزی را که درباره سرخ‌پوست‌ها در روزنامه‌ها آمده بود مرور کرد. پول آن را یک میلیونر آمریکایی که عاشق قایقرانی بود و یک خانه لوکس در ساحل دوون بنا کرده بود داده بود.

واقعیت تأسف‌برانگیز این بود که همسر سوم میلیونر آمریکایی یک قایقران بد بود و بعد از آن او خانه و قایق را برای فروش گذاشته بود. تعدادی آگهی در روزنامه‌ها چاپ شده بود و بعد خبری منتشر شد که خانه را فردی به نام آقای اوون خریداری کرده است. پس از آن شایعاتی در روزنامه‌ها منتشر شد. جزیره سرخ‌پوستان واقعاً توسط دوشیزه گابریل تورل یک هنرپیشه هالیوودی خریده شده بود! او مایل بود چندماه را دور از انظار در آنجا استراحت کند.